

## بررسی مشروعیت از بین بردن جنینهای آزمایشگاهی در فقه مذاهب اسلامی

ابراهیم جوانمرد فرخانی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۸)

### چکیده

این موضوع که جنینهای آزمایشگاهی از چه زمانی موجودی زنده تلقی می‌شوند و از بین بردن آنها ممنوع است، از موضوعات پراهمیتی است که فقهای اسلامی به آن توجه و دقت ویژه داشته‌اند. مسئله مشروعیت از بین بردن جنینهای آزمایشگاهی، مستلزم تعیین این مسئله است که جنین چه زمانی جایگاه انسانی را به دست می‌آورد. آرای فقهای مذاهب مختلف اهل سنت در این بحث بسیار مختلف و متشتت است. در این پژوهش بر آن هستیم تا با بهره‌گیری از قواعد اسلامی، در مقایسه‌ای تطبیقی، حرمت ائتلاف جنینهای خارج از رحم را از نظر فقه مذاهب اسلامی مورد واکاوی و تحلیل قرار دهیم. روش تحقیق مقاله حاضر تحلیلی - توصیفی است. اطلاعات تحقیق نیز به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر فقهای مالکی، برخی از حنفی‌ها، غزالی از فقهای برجسته شافعی، ابن جوزی از علمای حنبلی و بیشتر فقهای معاصر اهل سنت و مشهور فقهای امامیه، احترام به جنین را مشروط بر استقرار آن در رحم می‌دانند؛ از این رو از بین بردن جنینهای آزمایشگاهی را قبل از لانه‌گزینی در رحم مجاز می‌شمارند.

**کلیدواژه‌ها:** حیات، رحم، جنین، لقاح، آزمایشگاه.

## طرح مسئله

از جمله مباحثی که در فقه اسلامی مطرح است و از منظرهای گوناگون مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد، مسئله جنینهای تولیدشده در محیط آزمایشگاه است. این جنینها به روش لقاح مصنوعی بین اسپرم و تخمک به وجود آمده و مراحل اولیه رشد و تکامل خود را در محیط آزمایشگاه طی می‌کنند. در این روش، سلول تخمک از بدن زن گرفته می‌شود و در آزمایشگاه، در ظروف شیشه‌ای، با اسپرم گرفته‌شده از مرد لقاح می‌یابد و پس از رشد در محیط آزمایشگاهی، در پایان روز ششم برای لانه‌گزینی در رحم آماده می‌شود. به این تخمک لقاح یافته، جنین آزمایشگاهی گفته می‌شود. محققان و پزشکان، ممکن است برای اطمینان بیشتر از نتیجه کار، به جای یک تخمک، گاه تا چهل تخمک را بارور نموده، آنگاه یک یا دو جنین را به داخل لوله رحم منتقل کنند تا رشد آنها به‌طور طبیعی در آنجا انجام گیرد. پس از لانه‌گزینی جنینهای انتخاب‌شده، باقی‌مانده آنها را منجمد نموده تا نتیجه بارداری معلوم شود. اگر جنین در درون رحم به حیات خود ادامه نداد، در آن صورت، از جنینهای باقی‌مانده برای ازسرگیری این عمل بهره‌می‌برند. اگر این بارداری موفق بود و جنینها به حیات طبیعی خود در رحم ادامه دادند، آنگاه جنینهای باقی‌مانده را نابود می‌کنند یا برای استفاده‌های درمانی به کار می‌برند (سادلر، ۱۳۸۳ش، ۳۳۵). در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا از بین بردن جنینی که قابلیت تبدیل شدن به یک انسان را دارد، با شخصیت انسانی جنین ناسازگار نیست. گرچه فقهای اسلامی بر حیات زیست‌شناختی این جنینها اتفاق نظر دارند، اما درباره مراحل تکاملی جنینی که در آن از تقدس و مصونیت کامل و برابر با جنینهای طبیعی برخوردار است، اختلاف نظر دارند (نجفی، ۱۴۰۷ق، ۳۳۷/۴۱ و ۳۳۸؛ خوبی، ۱۴۲۱ق، ۳۱۹/۲؛ زحیلی، ۱۴۰۴ق، ۵۵۷/۴؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۵ق، ۳۰۲/۱؛ ابن‌قدامة، بی‌تا، ۱۷۱/۸). ارزیابی فقهی این بحث، به پرسش مهم فقهی درباره تقدس و حیات جنین در حال تکوین و مشروعیت اتلاف آن دامن می‌زند. از این منظر، جنین را می‌توان به علت پتانسیل تبدیل شدن به انسان و در نقطه شروع حیات بودنش، یک انسان کامل و دارای شأن و کرامت انسانی شمرد و یا در مقابل، آن را فاقد هرگونه جایگاه و حقوق اولیه انسانی تلقی نمود. جستجو برای یافتن پاسخ قانع‌کننده برای این پرسش که چه زمانی جنین صاحب حقوق می‌شود تا به امروز ادامه داشته است. مشکل اصلی، فقدان کلی مستقل و منسجم این مباحث در کتب فقهی در خصوص آغاز زندگی جنین و حرمت نابودی آن است. بر این اساس، مسئله به فقه اسلامی مرتبط می‌شود که تجزیه و تحلیل این مسئله را بر عهده بگیرد. به عبارت دیگر، این سؤال کلیدی را باید فقه اسلامی پاسخ دهد که آیا جنین آزمایشگاهی چندروزه فاقد روح، واجد حقوق و نیز دارای شأن حقوقی همانند جنینهای طبیعی است؟ آیا از لحظه لقاح اسپرم و تخمک در لوله آزمایشگاه که بدو پیدایش جنین است، بشر پا به عرصه وجود می‌گذارد و از بین بردن آن ممنوع است؟ آیا حیات

جنینهای آزمایشگاهی همان خصوصیات جنینهای طبیعی را دارد؟ آیا می‌توان اقدام به تولید جنین به روش مصنوعی نمود و سپس آن را از بین برد؟

## مفهوم جنین طبیعی و آزمایشگاهی

پیش از ورود به اصل بحث ضروری است برای یکسان‌سازی تلقی نویسنده و خواننده از واژه‌های محوری پژوهش، مفهوم جنین طبیعی و آزمایشگاهی را از نگاه معناشناختی مورد ارزیابی قرار داده و با تعریف لغوی و اصطلاحی این واژه‌ها، موضوع بحث را منقح سازیم.

### ۱. مفهوم‌شناسی لغوی

واژه «جنین» بر وزن «فعلیل» به معنای مفعول از ماده «جن» ساخته شده و منظور از آن، هر چیز پوشیده شده (مستور) است (سید جواد، ۱۳۸۳ ش، ۴۹۴/۵؛ زمخشری، ۱۹۷۲ م، ۶۶). به همین خاطر به انسان در رحم مادر، از آن جهت که از دیده پنهان است، جنین گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق، ۹۳/۱۳؛ فیومی، بی تا، ۱۱۱؛ رازی، ۱۴۱۵ ق، ۱۱۴). قرآن کریم با ملاحظه همین جهت می‌فرماید: «وَإِذْ أَنْتُمْ أُمَّهَاتِكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» (نجم، ۳۲): «هنگامی که در شکم مادرانتان پنهان بودید»؛ بنابراین «جنین» در لغت به معنای هر چیز پوشیده و مستور است و به بچه از زمانی که در رحم مادر قرار گیرد، جنین اطلاق می‌شود (طبرانی، ۱۹۸۴ م، ۱۴۱/۱؛ شرتونی، ۱۴۰۳ ق، ۱۴۴/۱؛ فیروزآبادی، بی تا، ۲۱۰/۴).

### ۲. مفهوم‌شناسی اصطلاحی

#### ۱-۲. مفهوم جنین طبیعی و آزمایشگاهی از دیدگاه زیست‌شناسی

در علوم زیستی و جنین‌شناسی، مراحل اولیه و رشد جنین و سیر تکاملی آن یا به شکل طبیعی و از طریق مقاربت صورت می‌گیرد یا به شکل آزمایشگاهی و با لقاح مصنوعی نسبت به ایجاد نطفه و پرورش آن در محیط آزمایشگاه اقدام می‌شود که اصطلاحاً «جنین مصنوعی یا آزمایشگاهی» نامیده می‌شود (پریور، ۱۳۷۸ ش، ۵۲).

در شرایط رایج و متداول، تولید نسل از راه نزدیکی جنسی و با عمل لقاح بین سلول جنسی نر (اسپرم) و سلول جنسی ماده (تخمک) صورت می‌گیرد؛ بدون آن‌که در ایجاد این لقاح، وسایل پزشکی و ابزارهای مصنوعی مورد استفاده قرار گیرد. به این شکل از تولید نسل «لقاح طبیعی» و به جنین تولیدشده با این روش «جنین طبیعی» گفته می‌شود. با این وجود، گسترش روزافزون دانش پزشکی این امکان را به وجود آورده که عمل لقاح بین اسپرم و تخمک، بتواند از شکل طبیعی و عادی خود خارج شده و راه‌های غیرعادی نیز پیدا کند؛ به طوری که بارداری و تولید نسل، برای کسانی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند از راه طبیعی بارور شوند، با بهره‌گیری از امکانات و ابزار مختلف، امری کاملاً ممکن شده است. به این شکل از تولید نسل «لقاح مصنوعی یا آزمایشگاهی» و به جنین تولیدشده با این روش «جنین مصنوعی یا آزمایشگاهی» گفته می‌شود.

در این روش، سلول تخمک از بدن زن گرفته و در آزمایشگاه در ظروف شیشه‌ای با اسپرم مرد لقاح یافته و منجر به تولید سلول تخم می‌شود که پس از رشد در محیط آزمایشگاهی در فاصله روزهای پنجم و ششم پس از لقاح به مرحله بلاستوسیست می‌رسد و در پایان روز ششم برای لانه‌گزینی در رحم آماده می‌شود. در نهایت، فقط یک یا دو جنین حاصل از لقاح مصنوعی در کلینیکهای آزمایشگاهی به رحم انسان منتقل می‌شود و باقی‌مانده آنها منجمد شده یا برای استفاده‌های درمانی به‌کاربرده می‌شود و از بین می‌رود (معینی و آخوندی، ۱۳۸۷ش، ۳۰۹-۳۱۱؛ سلطانی‌نسب، ۱۳۴۷ش، ۶/۱).

به‌طور خلاصه، شکل‌گیری و تکامل جنین به ترتیب شامل دوره‌های تشکیل سلول تخم (مرحله لقاح اسپرم و تخمک)، بلاستوسیست (حدود روز پنجم و ششم پس از لقاح)، لانه‌گزینی (حدود روز هفتم پس از لقاح)، دوره رویانی (هفته سوم تا هشتم پس از لقاح) و دوره جنینی (هفته نهم پس از لقاح تا انتهای زندگی) است (معینی و آخوندی، ۱۳۸۷ش، ۳۰۹؛ آساد، ۱۳۷۸ش، ۳۰-۴۰). این پروسه در خصوص جنین آزمایشگاهی نیز طی می‌شود؛ با این تفاوت که عمل لقاح اسپرم و تخمک در خارج از رحم صورت می‌پذیرد که به دلیل دخالت انسان در آن «لقاح مصنوعی یا آزمایشگاهی» نامیده می‌شود.

## ۲-۲. مفهوم جنین از دیدگاه فقهای امامیه

هرچند فقهای امامیه در بخشهای مختلف فقهی از احکام جنین و حمل سخن گفته و آن را مورد بحث قرار داده‌اند، اما تعریف دقیق و روشنی از آن، جز همان مفهوم لغوی، ارائه نکرده‌اند: «الجنین و هو الحمل فی بطن أمه و سمی به لاستتاره فیه»: «جنین همان حمل در شکم مادر است که به خاطر استتار و پوشیده بودن آن در شکم مادر، به این نام خوانده می‌شود» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۲۸۹/۱۰).

شیخ مفید جنین را موجودی می‌داند که هنوز در آن روح دمیده نشده است: «فان القت جنیناً - و هو الصورة قبل ان تلجه الروح - کان علیه مائة دینار»: «اگر جنینی را سقط کند - و آن صورتی است که روح در آن دمیده نشده است - صد دینار بر عهده اوست» (مفید، ۱۴۱۰ق، ۷۶۳).

برخی از فقها نیز ملاک اطلاق جنین و حمل بر نطفه را استقرار و لانه‌گزینی آن در دیواره رحم بیان نموده‌اند: «مع عدم استقرار النطفة فی الرحم لا یصدق الحمل بمجرد وجودها لعدم کونها مبدأ نشوء آدمی»: «ملاک اطلاق جنین و حمل بر نطفه، استقرار و لانه‌گزینی آن در رحم است؛ زیرا نطفه غیرمستقر در رحم منشأ تکامل انسان نیست» (رک: خوبی، بی‌تا، ۲۰۶/۷؛ انصاری، ۱۴۱۰ق، ۲۹۷/۱۰؛ حکیم طباطبایی، بی‌تا، ۳۶۴).

## ۲-۳. مفهوم جنین از دیدگاه فقهای اهل سنت

به طور کلی فقهای اهل سنت مانند فقهای شیعه، زندگی جنین را به دو مرحله پیش از دمیدن روح و پس از آن تقسیم می‌نمایند و دوران پیش از دمیده شدن روح را به سه مرحله نطفه (چهل روز نخست)، علقه (چهل روز دوم) و مضغه (چهل روز سوم) بخش‌بندی کرده‌اند و در این باره از آیات قرآن و سخنان پیامبر ﷺ متأثر گشته و احکام خود را در این باره بر پایه این تقسیم‌بندی، استوار ساخته‌اند که هر دوره و مرحله حکم خاص خود را دارد (ابن حزم، ۱۹۹۸م، ۱۶۸/۸).

دیدگاه فقهای اهل سنت در این زمینه به دیدگاه فقهای شیعه بسیار نزدیک است زیرا آنان نیز واژه «جنین» را مترادف با «حَمْل»، یعنی بچه در رحم مادر به‌کار برده‌اند: «یطلق لفظ الجنین علی الولد مادام فی رحم أمه»: «واژه جنین تا زمانی بر بچه اطلاق می‌شود که در رحم مادرش است» (رک: قرطبی، ۱۴۰۵ق، ۱۱۰/۱۷؛ ابن قدامه، بی‌تا، ۳۶۲/۱؛ شاذلی، ۱۹۹۷م، ۳۵۰؛ مدکور، ۱۹۶۹م، ۳۴ و ۳۳؛ زحیلی، ۱۴۰۴ق، ۱۱۸/۴).

با وجود این اتفاق نظر، فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت در تحدید مفهوم جنین کمی دچار اختلاف شده‌اند؛ بنا بر فقه حنفی، جنین به هر موجود داخل رحم گفته نمی‌شود؛ بلکه باید آثاری از وجود انسان نیز در آن نمایان شده باشد. در این نگرش، به علقه و مضغه جنین گفته نمی‌شود مگر آنکه اثری از شکل‌گیری (تخلُّق) انسانی آن ظاهر شود (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ۲۷۲/۷). به طور مثال کاسانی می‌نویسد: «و إن لم یستبن شیء من خلقه فلا شیء فیه لانه لیس بجنین انما هو مضغه»: «اگر از شکل‌گیری انسانی جنین اثری آشکار نشده باشد، از بین بردن آن چیزی جز اتلاف شیء نخواهد بود؛ زیرا جنین نامیده نمی‌شود بلکه مضغه است» (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ۱۱۵/۱۷).

دیدگاه فقهای حنبلی نیز در این زمینه با دیدگاه فقهای حنفی کاملاً سازگار است؛ آنان جنین را به موجودی اطلاق می‌نمایند که علائمی از شکل‌گیری انسانی در آن ظهور یافته باشد (ابن قدامه، ۱۹۸۴م، ۸۲/۹؛ حجاوی، بی‌تا، ۱۰۹/۴). بهوتی یکی از فقهای حنابله نیز در تعریف جنین می‌نویسد: «الولد و هو ما تبین فیه خلق إنسان ولو خفياً»: «فرزند موجودی است که شکل‌گیری انسانی در آن - هرچند به طور مخفی - آشکار شده باشد» (بهوتی، بی‌تا، ۲۳/۶).

بنا بر فقه شافعی نیز به علقه یا مضغه جنین اطلاق نمی‌شود؛ بلکه باید نشانه‌ای از آثار وجودی انسان را داشته باشد. شافعی می‌نویسد: «أقل ما یکون به جنیناً أن یفارق المضغة و العلقه حتی یتبین منه شیء من خلق آدمی من أصبع أو ظفر أو عین آدمی أو ما شابه ذلك»: «پایین‌ترین مرحله‌ای که به موجود، جنین اطلاق می‌شود آن است که با مضغه و علقه تفاوت پیدا کند تا در آن اثری از خلقت انسانی، از انگشت یا ناخن یا چشم انسانی یا مانند این امور نمایان شود» (مزنی، ۱۴۱۰ق، ۳۵۶/۸).

در این میان، فقهای مالکی برخلاف دیگر فقهای مذاهب اهل سنت به مضغه و علقه نیز جنین می‌گویند. از نظر آنان، به هر موجود داخل رحم جنین اطلاق می‌شود هرچند خون منجمد باشد (دردیر، بی تا، ۸۰۲/۴). مالک می‌نویسد: «تعریف الجنین: بأنه کل ما حملته المرأة مما يعرف أنه ولد، وإن لم يكن مخلقاً» «جنین به هر کودکی گفته می‌شود که در رحم زن قرار دارد هرچند خلقت انسانی پیدا نکرده باشد» (مالک، ۱۴۱۹ق، ۸۰/۷).

### سلب حیات از جنینهای آزمایشگاهی در فقه امامیه

درباره اینکه جنینهای تولیدشده از راه لقاح غیرطبیعی، شأن فقهی - حقوقی دارند یا نه، دو دیدگاه متفاوت میان فقهای امامیه وجود دارد:

#### ۱. نظریه عدم جواز

از نظر برخی از فقهای امامیه، سلب حیات از جنینهای آزمایشگاهی از لحظه لقاح بین اسپرم و تخمک در لوله آزمایشگاه، در حکم سقط جنین و مستلزم پرداخت دیه است (جناتی، ۱۳۸۲ش، ۲۳۸/۲). از این منظر، حیات یک ارگانیزم انسانی، در هر مرحله‌ای که از مراحل تکوینی باشد، دارای ارزش ذاتی است؛ هرچند این ارگانیزم، تکامل نیافته باشد؛ زیرا آغازی است برای انسان شدن (رک: جواهری، ۱۳۸۵ش، ۸۶). در حقیقت، نقض مبدأ آفرینش انسان، عنوانی است که بر از بین بردن جنینهای تشکیل شده در خارج از رحم نیز صدق می‌کند؛ چراکه این جنینها از همان قابلیت برخوردار هستند که جنینهای تشکیل شده در داخل رحم، از آن برخوردارند. از این رو، این موجود دارای کرامت ذاتی است و هر اقدامی که از رشد و رسیدن آن به مرحله انسان کامل جلوگیری کند، جایز نیست. بر اساس این نگرش، ملاک در حرمت اتلاف جنینهای آزمایشگاهی، قابلیت و شأنیت انسان شدن آن چیزی است که اگر شرایط برای تکاملش (رشد و نمو) فراهم شود، می‌تواند تبدیل به انسان شود. لذا موجود انسانی از همان لحظه‌ای که ایجاد شده، باید محترم دانسته شود و همه حقوق انسانی‌اش از جمله حق حیاتش رعایت شود (احمدی، ۱۳۸۶ش، ۱۱۲). غرض آن که اتلاف جنینهای انسانی تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی، از آن جهت که سبب جلوگیری از به فعلیت رسیدن انسانی است که قابلیت انسان شدن را دارد، کاری است حرام. همچنین از آنجاکه نطفه منشأ تکون انسان است و بی‌مبالاتی در حفظ آن جایز نیست، رعایت احتیاط و دوری کردن از موارد مشکوک‌الحرمه در این مورد جاری است و بنابراین باید اصالة الاحتیاط را اجرا کرد و به عدم جواز حکم کرد (حسینی روحانی، ۱۴۱۴ق، ۱۰). آیت‌الله صافی گلپایگانی در این زمینه می‌فرماید: «تا نطفه در رحم مستقر نشده، جواز اتلاف و دور افکندن آن مورد اشکال است و احتیاط به حفظ آن تا رشد کامل ترک نشود. بلی وجوب محافظت از آن هم محل تأمل است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱ش).

## ۲. نظریه جواز

از دیدگاه مشهور فقهای امامیه، جنینی که هنوز در مرحله اولیه وجود قرار دارد و به رحم مادر انتقال نیافته است، پیش از انتقال به رحم هیچ‌یک از احکام شرعی، از قبیل وجوب حفظ و حرمت تضییع، بر آن مترتب نمی‌شود و سلب حیات از آن، پیش از انتقال به رحم مادر اشکالی ندارد؛ زیرا ادله ناظر به حرمت اتلاف جنین و لزوم پرداخت دیه، ناظر به مرحله پس از استقرار و لانه‌گزینی آن در رحم است (نجفی، ۱۴۰۷ق، ۳۶۹/۴۳؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ۲/۲۱۸؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۲/۴۰۱).

برخی از فقهای شیعه تصریح می‌کنند: «جنینهای حاصل از لقاح در محیط آزمایشگاهی را می‌توان از بین برد؛ زیرا از بین بردن جنین وقتی حرام است که در رحم باشد؛ ولی در خارج رحم دلیلی بر حرمتش نیست» (خویی، ۱۴۲۱ق، ۲/۳۱۹).

از نظرات مشهور فقهای شیعه چنین برمی‌آید که تکوّن انسان از زمان استقرار نطفه در رحم آغاز می‌شود و از همان آغاز به وجود آمدن نطفه و استقرار آن در رحم، احکام ویژه‌ای بر آن مترتب می‌شود. تمایزی که شرایط پیش از لانه‌گزینی جنین در رحم با پس از آن دارد در این است که جنین تا پیش از لانه‌گزینی قابلیت به فعلیت رسیدن را ندارد؛ اما پس از آن، از این قابلیت برخوردار می‌شود؛ از این رو جنینهای آزمایشگاهی تا زمانی که شرایط تبدیل این توانایی را به فعلیت نداشته باشند، تفاوتی با دیگر بافتهای بدن که واجد چنین توانی نیستند، ندارند. در این نگرش، استقرار در رحم، شرط برخورداری جنینهای آزمایشگاهی از حق حیات است؛ زیرا نطفه حاصل از لقاح اسپرم و تخمک اگر در رحم مستقر شود، قابلیت عبور از مراحل تکاملی مختلف جنینی را دارد؛ بنابراین رعایت شأنی ویژه برای جنینهای آزمایشگاهی پیش از کشت در رحم، بالاتر از آنچه برای دیگر بافتهای بدن مراعات می‌شود، ضرورت ندارد. بر همین اساس است که عموماً فقها در ارزیابی آسیبهای وارد شده به جنین، مرحله نطفه مستقر در رحم را به‌عنوان اولین مرحله زندگی جنینی در نظر می‌گیرند که از این لحظه به بعد رعایت حقوق جنین الزامی می‌شود: «فی النطفة اذا استقرت فی الرحم و استعدت للنشوء عشرون دینارا»: «دیه نطفه‌ای که در رحم استقرار یافته و آماده رشد و تکامل شده ۲۰ دینار است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۰/۲۸۹).

نکته مهم آن است که دیه برای از بین بردن جنینی تعیین شده که در رحم زن استقرار یافته است و این به‌خوبی نشان می‌دهد که جنینهای خارج رحمی که در محیط آزمایشگاهی تولید شده‌اند، فاقد شأنیت انسانی بوده، از بین بردن آنها حرام نخواهد بود.

### سلب حیات از جنینهای آزمایشگاهی در فقه اهل سنت

هرچند بسیار بعید است که موضوع جنینهای آزمایشگاهی به معنای مصطلح امروزی در کلمات فقهای متقدم اهل سنت مطرح شده باشد، لکن از آنجاکه بسیاری از احکام نطفه با موضوع جنینهای آزمایشگاهی مرتبط است، بحثهای مطرح شده در این دو موضوع گرچه یکسان نخواهد بود اما مشترکات فراوان خواهد داشت؛ چراکه لقاح مصنوعی اسپرم و تخمک در لوله آزمایش، تفاوتی در رشد و تکامل جنین و در نهایت تبدیل شدن آن به یک انسان کامل نسبت به یک جنین طبیعی ایجاد نمی‌کند (پریور، ۱۳۷۸ش، ۵۲).

در میان اهل سنت، سه دیدگاه متفاوت در این زمینه وجود دارد:

۱- جنین از ابتدای لقاح و استقرار در رحم (۷ روز بعد از لقاح) در مسیر تکامل و مستعد برای حیات انسانی بوده، لذا قابل احترام است. از این منظر، حرمت سلب حیات از جنین تنها مربوط به بعد از لانه‌گزینی در رحم است و دلیلی بر حرمت اتلاف قبل از استقرار در رحم وجود ندارد (غزالی، بی تا، ۵۱/۲؛ ابن جزی، ۱۴۰۴ق، ۷۰/۲؛ دردیر، بی تا، ۲/۲۶۶). لازم به یادآوری است که دیدگاه مشهور فقهای امامیه نیز بر همین نگرش استوار است.

۲- جنین بعد از لقاح و استقرار در رحم، قابل احترام نیست بلکه شأن و منزلت جنین از زمان شکل‌گیری یعنی پس از تخلُّق (۴۰ روز پس از لقاح) آغاز می‌شود. طبق نظر این دسته از فقهای اهل سنت، سلب حیات از جنین مادامی که به مرحله تخلُّق و شکل‌گیری نرسیده باشد، جایز است (بهوتی، بی تا، ۱۴۷/۱؛ ابن قدامه، ۱۹۸۴م، ۸۲/۹؛ زیدان، ۱۹۹۴م، ۱۲۳/۳).

۳- جنین از زمان دمیده شدن روح (۱۲۰ روز پس از لقاح) دارای حیات انسانی و قابل احترام است؛ اما پیش از آن مطلقاً - پس از استقرار در رحم یا نمایان شدن خلقت انسانی - دارای چنین حرمتی نیست و حفظ آن لازم نیست (رملی، ۱۴۰۴ق، ۴۴۳/۸؛ قلیوبی و عمیره، ۱۴۱۵ق، ۱۶۰/۴؛ مرداوی، ۱۹۷۸م، ۳۸۶/۱).

بر این اساس، می‌توان مدعی شد که اتلاف جنینهای آزمایشگاهی بعد از استقرار در رحم، تنها بنا بر دیدگاه اول نامشروع است و بر اساس دیدگاه دوم و سوم مشروع خواهد بود. حال برای روشن‌تر شدن دیدگاه فقهای اهل سنت، نظریه‌های چهار مذهب فقهی دانشمندان اهل سنت تحلیل و بررسی می‌گردد و سپس به واکاوی دیدگاه فقهای معاصر اهل سنت و نتایج سمینارها و کنفرانسهای مرتبط با مسئله مورد بحث می‌پردازیم.

#### ۱. دیدگاه فقهای شافعی

در میان فقهای شافعی دو نظریه مطرح شده است:

۱- مشهور فقهای شافعی، اتلاف جنین را قبل از مرحله تخلُّق (شکل‌گیری) - که به اعتقاد آنان چهل روز است - جایز می‌دانند (مدکور، ۱۹۶۹م، ۳۰۳). به طور مثال، شافعی می‌نویسد: «قول



الشافعی: أنه لا شيء فيه إذا لم بين خلقه، فإذا بان خلقه على ما سئفه ففیه غرة ... و استدلال الشافعی علی أن لا شيء فيه بأمرین: أحدهما: أن وجوب الغرم لثبوت الحرمة و ليس له قبل بیان خلقه حرمة فكان هذا كالنطفة:» «اگر صورت مخلوق جنین ظاهر نشود، احکام انسانی بر آن مترتب نمی‌شود؛ پس زمانی که خلقت آن آشکار شد، طبق آنچه توضیح خواهیم داد - انگشت یا ناخن یا مو یا مانند این امور نمایان شود - دیه آن یک غره (یک برده یا یک کنیز سفیدپوست) است ... . شافعی برای نظر خود دو استدلال آورده است: اول آنکه غرامت و پرداخت دیه در جایی لازم است که هتک حرمتی تحقق یافته باشد؛ درحالی‌که جنین قبل از مرحله تخلّق (شکل‌گیری) از شأن و منزلت انسانی برخوردار نیست، پس مانند نطفه است» (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ۸۶۶/۱۲).

چنانکه مشاهده می‌شود، این سخن هیچ اشاره‌ای به این ندارد که جنین آزمایشگاهی اساساً واجد حقوق انسانی و دارای احترام است یا خیر؛ بلکه مطلقاً حکم به جواز اتلاف نطفه یعنی ۴۰ روز اول پس از لقاح بین تخمک و اسپرم داده است؛ اما واقعیت آن است که جنین آزمایشگاهی نیز در سطح زیست‌شناختی از لحاظ قابلیت رشد و تکامل هیچ تفاوتی با نطفه طبیعی ندارد (راسخ، ۱۳۸۹ش، ۱۸۵). بر این اساس، طبق اصل و قاعده شناخته‌شده اهل سنت «حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد» (ر.ک: اسلامی، ۱۳۸۶ش، ۳۶۷). اگر موجودی به حکمی از احکام محکوم شود، موجود دیگری که مانند موجود اول است، به همان حکم محکوم می‌گردد؛ زیرا بین دو موجود همانند، آنچه موجب امتیاز و جدایی آنها از یکدیگر می‌شود، به ذات و ماهیت آنها وابسته نیست؛ بلکه این صرفاً یک امر عرضی است. نتیجه آن‌که اگر از نظر مشهور فقهای شافعی اتلاف و از بین بردن نطفه جایز است، در هر دو مورد این حکم جریان دارد.

۲- پاره‌ای دیگر از فقهای شافعی بر این باورند که جنین انسانی در صورتی که مرحله لقاح (انعقاد) را پشت سر گذاشته و در مسیر مخصوص تکامل (رحم) مستقر شده، به نحوی که با فرض عدم بروز موانع، بالضرورة به هویت انسان منتهی گردد، از این لحظه به بعد موجود انسانی تلقی می‌شود و شایسته بهره‌مندی از تمامی احکام و تکالیف شرعی نسبت به جنین انسانی است. به‌عنوان مثال غزالی از فقهای برجسته شافعی، آغاز حیات جنین را از همان مرحله ورود نطفه به رحم تلقی نموده است: «أول مراتب الوجود أن تقع النطفة فی الرحم» (غزالی، بی‌تا، ۵۱/۲). به نظر وی، سلب حیات از جنین پس از استقرار در رحم جایز نیست به خلاف عزل؛ زیرا عزل پیش از حصول نطفه در رحم است. وی با ذکر مراحل مختلف تطور جنین معتقد است از بین بردن آن در مراحل بعدی موجب شدت جنایت به حسب مراتب آن است و منتهای تفاحش در جنایت، از بین بردن آن پس از زنده به دنیا آمدن است؛ مانند زنده‌به‌گور کردن که عرب جاهلی انجام می‌داد. غزالی معتقد است که ملاک حرمت اتلاف، وارد شدن جنین در مرحله نفخ روح نیست؛ بلکه

استعداد جنین برای تکامل و آمادگی برای دمیده شدن روح در آن است و این امر از زمان لقاح و استقرار نطفه در رحم شروع می‌شود (همان). برخی دیگر از فقهای شافعی مذهب نیز تصریح کرده‌اند: «المنی حال نزوله محضُ جمادٍ، لم یتهیأ للحیة بوجه بخلافه بعد استقراره فی الرحم و أخذہ فی مبادی التخلیق»: «منی در حالت انزال (عدم استقرار در رحم) جماد محض است که به هیچ وجه قابلیت برای حیات ندارد؛ برخلاف منی پس از استقرار در رحم که شروع به شکل‌گیری می‌کند» (بجیرمی، ۱۴۱۷ق، ۳۹۲/۴).

آن‌گونه که ملاحظه می‌شود، غزالی نیز از جنین آزمایشگاهی سخنی به میان نمی‌آورد؛ لکن کلام وی بیانگر این واقعیت است که ملاک در حرمت اتلاف جنین، استقرار نطفه در رحم زن است و این ملاک امری مشترک بین جنینهای طبیعی و آزمایشگاهی است. بر این اساس، می‌توان استنباط نمود که استقرار در رحم خصوصیت دارد و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد؛ چنانچه دیدگاه مشهور فقهای معاصر اهل سنت نیز همین است (قرضاوی، ۱۴۲۴ق، ۲۸۹-۲۹۲؛ شلتوت، ۲۰۰۴م، ۲۸۹-۲۹۲). از این رو توان بالقوه جنین برون رحمی برای انسان شدن تا زمانی که در رحم قرار نگیرد، منشأ هیچ حکم شرعی نخواهد بود. از سوی دیگر، نمی‌توان با الغای خصوصیت از رحم، مدعی همسانی جنینهای تولیدشده در خارج از رحم با جنینهای تولیدشده در رحم شد؛ زیرا جنین استقرار یافته در رحم، به خودی خود، مراحل رشد و نمو را سپری می‌کند، اما جنین تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی بدون حمایت سایر افراد از بین خواهد رفت.

## ۲. دیدگاه فقهای مالکی

فقهای مالکی نیز در این زمینه دو نظریه مطرح نموده‌اند:

۱- جمهور فقهای مذهب مالکی بر این باورند که پس از استقرار منی در رحم زن، اتلاف آن جایز نیست؛ گرچه پیش از چهل روز باشد (علیش، بی‌تا، ۳۰/۳؛ دسوقی، ۱۴۱۳ق، ۲۶۶/۲). مذهب مالکی نسبت به بقیه مذاهب اهل سنت در این مسئله اتفاق نظر داشته و به‌طور کلی اتلاف جنین را گرچه پیش از چهل روز از استقرار منی باشد، جایز نمی‌دانند. از نظر آنان، اخراج منی که در رحم تکون یافته، در هر مرحله‌ای از تغییر و تحول باشد، حتی پیش از چهل روز، جایز نیست. فقهای مالکی این قول را مطلق ذکر کرده و بیان نموده‌اند: «و أمّا استخراج ما حصل من الماء فی الرحم فمذهب الجمهور المنع مطلقاً»: «اخراج منی که در رحم ایجاد شده، بنا بر نظر مشهور فقهای مالکی مطلقاً جایز نیست» (حطاب، ۱۴۱۶ق، ۱۳۳/۵).

ابن جزئی فقیه مالکی، مانند غزالی علاوه بر حرمت، قائل به تدرّج و شدت یافتن حرمت در مراحل بعدی تحول جنین شده است: «و إذا قبض الرحم المنی لم یجز التعرض له و أشد من ذلک إذا تخلق و اشد من ذلک إذا نفخ فیہ الروح فانه قتل نفس إجماعاً» (ابن جزئی، ۱۴۰۴ق، ۷۰/۲). در دیر از علمای مالکی نیز می‌نویسد: «لایجوز اخراج المنی المتکون بالرحم ولو قبل الاربعین یوماً

و اذا نفخت فيه الروح حرم اجماعاً»: «اخراج منیّ قرار یافته در رحم ولو قبل از چهل روزگی جایز نیست و پس از حلول روح اجماعاً حرام است» (دردیر، بی تا، ۲/۲۶۶).

چنانکه مشاهده می‌شود، عبارات این فقها نیز اشاره‌ای به جنینهای طبیعی یا آزمایشگاهی ندارد؛ لکن خصوصیت لانه‌گزینی در رحم که موجب احترام به جنین و شروع شخصیت انسانی می‌شود، در هر دو مورد جریان دارد. در حقیقت به نظر ابن‌جزی و دیگر فقهای مالکی، اگر نطفه در رحم استقرار پیدا نکند، هر چند امکان انسان شدن را دارد، اما فعلیت یافتن این امکان، منوط به استقرار در رحم است. از این رو، جنین انسانی مستقر در رحم، از تمامی حقوق مربوط به شخص انسانی برخوردار است ولی جنین استقرار نیافته در رحم، فاقد شأن انسانی بوده، هیچ‌گونه حکمی بر آن جاری نمی‌شود. بر این اساس، بین نطفه‌ای که در بیرون رحم است با نطفه‌ای که در رحم استقرار یافته فرق است و تا قبل از لانه‌گزینی در رحم ادله احترام به جنین و حیات انسانی شامل آن نمی‌گردد.

۲- قولی مبنی بر کراهت اخراج جنین پیش از چهل روز از آنان ذکر شده، اما معتمد در مذهب آنان همان عدم جواز اتلاف جنین پیش از چهل روز است: «قوله ولو قبل الاربعین» هذا هو المعتمد و قبل یکره اخراجه قبل الاربعین» (دسوقی، ۱۴۱۳ق، ۲/۲۶۷). پاره‌ای دیگر از فقهای مالکی مانند لخمی بر این باورند که اتلاف جنین پیش از چهل روزگی مانعی ندارد: «و أحفظ للخمی أنه يجوز قبل الأربعین ما دام نطفة كما له العزل ابتداء» (حطاب، ۱۴۱۶ق، ۵/۱۳۳).

### ۳. دیدگاه فقهای حنبلی

در مذهب فقهی حنبلی نیز در این باره اختلاف نظر وجود دارد که این اختلاف نظرها به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- آنچه در مذهب فقهی حنابله رجحان دارد، حرمت از بین بردن جنین در مرحله تخلّق و شکل‌گیری (۴۰ روز پس از لقاح) است. از این رو سلب حیات از جنین مادامی‌که به مرحله ظهور آثار انسانی نرسیده باشد، یعنی قبل از ۴۰ روز جایز است: «أنه بعد أربعین يوماً لا یباح إلقاؤه ولو لم تنفخ فيه الروح و هو كذلك علی المذهب» (عثیمین، ۱۴۲۲ق، ۱۳/۳۴۱). از این منظر، شأن و منزلت جنین از زمان شکل‌گیری یعنی پس از تخلّق آغاز می‌شود؛ و جنین پیش از چهل روز تکه‌ای خون است که البته رشد دارد و از این رو از بین بردن آن چیزی جز اتلاف شیء نخواهد بود. به‌طور مثال ابن‌قدمه حنبلی می‌نویسد: «و ان ألفت نطفة لاتدری هل هو ما یخلق منه آدمی أو لا فهذا لا یتعلق به شیء من الاحکام»: «و اگر نطفه‌ای را از بین ببرد که مشخص نیست انسانی از آن خلق می‌شود یا نه، هیچ‌یک از احکام جنین انسانی بر آن مترتب نمی‌شود (نه گناه است و نه دیده دارد)» (ابن‌قدمه، ۱۹۸۴م، ۸۲/۹)؛ بنابراین، فقهای حنبلی، صدق جنایت بر جنین و به‌طور کلی احکام جنین را مشروط به کامل شدن جنین به شکل آدمی دانسته‌اند. بهوتی از علمای

حنابله می‌نویسد: «أما يثبت حكمه بالقاء ما يتبين فيه خلق انسان و لو خفياً»: «هنگامی احکام جنین انسانی ثابت می‌شود که اثری از شکل‌گیری و تخلّق انسانی آن - هرچند به‌طور مخفی - ظاهر شود» (بیهوتی، بی‌تا، ۱/۱۴۷).

۲- به تصریح برخی از دانشمندان این مذهب فقهی مانند ابن‌عقیل، از بین بردن جنین پیش از حلول روح - حتی پس از نمایان شدن آثار خلقت انسانی - مانعی ندارد: «ظاهر کلام ابن‌عقیل فی الفنون: أنه يجوز إسقاطه قبل أن ينفخ فيه الروح»: «ظاهر سخن ابن‌عقیل در کتاب فنون آن است که اسقاط جنین مادامی‌که در آن روح دمیده نشده باشد، مباح و جایز است» (مرداوی، ۱۹۷۸م، ۱/۳۸۶).

۳- ابن‌جوزی از دانشمندان مذهب حنبلی بر این باور است که سلب حیات از جنین پیش از دمیده شدن روح به‌طورکلی حرام است. وی همچون غزالی معتقد است جنین از نخستین لحظه تشکیل محترم است و نباید مورد تعرض واقع شود: «و قال ابن‌الجوزی فی أحكام النساء یحرم: «ابن‌جوزی در کتاب احکام النساء گفته است سلب حیات از جنین پیش از حلول روح حرام است» (همان).

چنانکه ملاحظه می‌شود کیفیت سخنان فقهای متقدم اهل سنت در این باره مطلق است؛ بدین معنا که ظاهر فتوای آنها مطلق بوده و دربرگیرنده موردی نیز هست که جنین از راه لقاح غیرطبیعی ایجاد می‌شود؛ زیرا ملاک در هر دو واحد است.

#### ۴. دیدگاه فقهای حنفی

در فقه احناف، اقوال بسیاری در خصوص سلب حیات از جنین مشاهده می‌شود. سه نظر اصلی در میان فقهای آنان عبارت است از:

۱- طبق نظر جمهور فقهای مذهب حنفی، سلب حیات از جنین مادامی‌که به مرحله تخلّق (شکل‌گیری) نرسیده باشد، جایز است و این امر ۱۲۰ روز پس از لقاح بین تخمک و اسپرم حاصل می‌شود. به‌طور مثال کاسانی می‌نویسد: «و إن لم یستبن شیء من خلقه فلا شیء فیه»: «اگر از شکل‌گیری انسانی جنین اثری آشکار نشده باشد، از بین بردن آن چیزی جز اتلاف شیء نخواهد بود» (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ۱۷/۱۱۵). با توجه به آنکه شکل‌گیری جنین پیش از ۱۲۰ روز صورت می‌گیرد، معلوم می‌شود که مراد از تخلّق در نظر آنان همان زمان دمیده شدن روح است؛ چنانکه ابن‌عابدین، فقیه حنفی نیز بدین نکته اشاره نموده است: «ولا یستبن خلقه الا بعد مائة و عشرين یوما» (ابن‌عابدین، ۱۴۱۵ق، ۱/۳۰۲).

به‌هرروی، این نظر بر این امر استوار است که جنین از زمان دمیده شدن روح دارای حیات انسانی و قابل احترام است؛ اما پیش از آن، دارای جنین حرمتی نیست و حفظ آن لازم نیست. از

دیدگاه آنها، نفس جنین برابر و هم سنگ نفس تولد یافته نیست؛ از این رو جنین از آن رو که وجود مستقل ندارد و جزئی از مادر به شمار می‌آید، نفس نامیده نمی‌شود (ابن‌همام، ۱۴۳۰ق، ۲/۴۹۵).<sup>۲</sup>

۲- در مقابل این قول، عده‌ای دیگر از فقهای حنفی، سلب حیات از جنین را پیش از چهار ماه در هیچ مرحله‌ای مشروع نمی‌دانند مگر در صورتی که عذری در میان باشد؛ چنانچه ابن‌وهبان، فقیه حنفی مذهب می‌فرماید: «قال ابن وهبان: فإباحة الإسقاط محمولة على حالة العذر»: «اتلاف جنین پس از واقع شدن در رحم در صورتی جایز است که عذری در میان باشد» (ابن‌عابدین، ۱۴۱۵ق، ۳/۱۷۶).<sup>۳</sup>

۳- برخی دیگر از فقهای حنفی، مانند علی‌بن‌موسی، اتلاف جنین را بعد از استقرار در رحم، قبل از حلول روح، مکروه می‌دانند. وی می‌فرماید: «انه يكره، فإن الماء بعدما وقع في الرحم مآله الحياة فيكون له حكم الحياة كما في بيضة صيد الحرم» (همان).

### ۵. دیدگاه فقهای معاصر

دیدگاه مشهور فقهای معاصر اهل سنت در این زمینه با دیدگاه مشهور فقهای شیعه بسیار نزدیک است زیرا آنها نیز معتقدند که جنین بلافاصله بعد از کشت در رحم، حق حیات دارد؛ بنابراین، آزمایشهای پزشکی روی جنینهای آزمایشگاهی و از بین بردن آنها پس از استقرار در رحم ممنوع و قبل از آن جایز است (یاسین، ۱۴۱۰ق، ۱۱۸-۱۲۷؛ قرضاوی، ۱۴۲۴ق، ۲۸۹-۲۹۲؛ شلتوت، ۲۰۰۴م، ۲۸۹-۲۹۲)؛ از این رو در سومین اجلاس سازمان اسلامی علوم پزشکی توصیه شد که تعداد لقاحهای خارج از رحم تنها به اندازه نیاز باشد و اگر زائد بر مقدار مورد نیاز باشد، رها کردن آنها به حال خود و مرگ طبیعی آنها که پس از شش روز صورت می‌گیرد، بهترین راه حل است (ر.ک: شاذلی، ۱۹۹۷م، ۳۴۹-۳۶۰).

توجه به این مسئله لازم است که جنینی که به کمک لقاح مصنوعی به وجود می‌آید، اگر در محیط آزمایشگاهی باقی بماند، خودبه‌خود از بین خواهد رفت یعنی به روند طبی انتقال جنین به رحم زن نیاز دارد و اگر شرایط حیات از جمله استقرار و لانه‌گزینی در رحم مهیا نباشد، خودبه‌خود معدوم می‌گردد؛ پس اساساً واجد حقوق و نیز دارای شأن و منزلتی همانند جنین مستقر در رحم نیست. از این رو، این مسئله در ششمین سمینار فقهی-پزشکی وابسته به سازمان اسلامی علوم پزشکی نیز مطرح شد و بر این نکته تأکید گردید که جنینهای تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی، پیش از کشت در رحم، فاقد شأن و منزلت انسانی هستند، از این رو، به هر وسیله‌ای می‌توان آنها را نابود ساخت. همچنین مقرر شد که جنینهای اضافی تولیدشده در محیط آزمایشگاه

۲. أن الجنين لم يعتبر نفساً عندنا لعدم تحقق آدميته وأنه اعتبر جزءاً من أمه من وجه ولذا لا تجب فيه القيمة او الدية كاملة ولا الكفارة ما لم تتحقق حياته.

را می‌توان بدون رسیدگی پزشکی رها کرد تا حیات آنها از بین برود (عوضی، ۱۹۹۴م، ۶۴۷-۶۵۷).

### نتیجه

۱. بیشتر فقهای مالکی و برخی از حنفیها و غزالی از فقهای برجسته شافعی و ابن جوزی از علمای حنبلی با فقهای امامیه هم‌عقیده‌اند. از این منظر، هیچ‌یک از احکام شرعی، از قبیل وجوب حفظ و حرمت تزییع، بر جنینهای آزمایشگاهی پیش از انتقال به رحم جاری نمی‌شود و معدوم کردن جنین قبل از کاشتن در رحم انسانی بلاشکال است؛ نه گناه است و نه دیه دارد.
۲. جمهور فقهای شافعی، حنبلی و حنفی، سلب حیات از جنین را مادامی‌که به مرحله تخلّق و شکل‌گیری نرسیده باشد - که به اعتقاد آنان چهل روز است - جایز می‌دانند. هرچند طبق نظر جمهور فقهای مذهب حنفی، این امر پس از دمیده شدن روح حاصل می‌شود.
۳. پاره‌ای از فقهای شافعی، حنبلی و حنفی، نابود کردن جنین را قبل از حلول روح در هر مرحله‌ای که باشد، جایز می‌دانند.
۴. مشهور فقهای معاصر اهل سنت همچون مشهور فقهای امامیه، اتلاف و رهاسازی جنینهای آزمایشگاهی را قبل از لانه‌گزینی در رحم مجاز می‌شمارند؛ اما از لحظه استقرار جنینهای آزمایشگاهی در رحم زن، تمامی احکام مترتب بر جنینهای طبیعی حاصل از لقاح اسپرم و تخمک در داخل رحم را بر جنینهای تشکیل‌شده در محیط آزمایشگاهی نیز جاری می‌دانند.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آساد، محمدتقی، مبانی ژنتیک، تهران، دنیا، ۱۳۷۸ ش.
- ابن جزی، محمد بن احمد، *القوانين الفقهية*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن حزم، علی بن احمد، *المحلی*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۸ م.
- ابن عابدین، محمد امین بن عمر، *رد المحتار علی الدر المختار*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *الشرح الكبير*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۴ م.
- همو، *المعنی*، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
- ابن همام، محمد بن عبدالواحد، *شرح فتح القدير للعاجز الفقير*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ ق.
- احمدی، امیرعلی، *بررسی جنبه‌های اجتماعی تحقیقات شبیه‌سازی و سلولهای بنیادی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶ ش.
- اسلامی، سیدحسن، *شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ ش.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، *المکاسب*، قم، دارالکتب، ۱۴۱۰ ق.
- بجیرمی، سلیمان بن محمد، *تحفة الحبيب علی شرح الخطيب*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
- بهوتی، منصور بن یونس، *کشاف القناع عن متن الاقناع*، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
- پریور، کاظم، *جنین‌شناسی*، تهران، مبتکران، ۱۳۷۸ ش.
- جناتی، محمد ابراهیم، *رساله توضیح المسائل، استفتائات*، قم، انصاریان، ۱۳۸۲ ش.
- جواهری، حسن، «تقسیم جنبینی و شبیه‌سازی»، *مجله کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۴۷، ۱۳۸۵ ش.
- حجاوی، موسی بن جعفر، *الاقناع فی فقه الامام احمد بن حنبل*، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- حسینی روحانی، سید محمد صادق، *المسائل المستحدثة*، قم، دارالکتب، ۱۴۱۴ ق.
- خطاب، محمد بن محمد، *مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
- حکیم طباطبایی، سید محسن، *نهج الفقاهة*، قم، ۲۲ بهمن، بی تا.
- حلّی، حسن بن یوسف، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۱۳ ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، *المسائل الشرعیة: استفتاءات المعاملات*، قم، مؤسسه احیاء آثار امام خویی، ۱۴۲۱ ق.
- همو، مصباح الفقاهة، قم، داوری، بی تا.

- دردير، احمد بن محمد، الشرح الكبير مع حاشية الدسوقي، بيروت، داراحياء الكتب العربية، بی تا.
- دسوقي، محمد بن احمد، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، بيروت، دارالفكر، ١٤١٣ق.
- رازی، عبدالقادر، مختار الصحاح، بيروت، مكتبة لبنان، ١٤١٥ق.
- راسخ، محمد و ديگران، سلول بنيادي: اخلاق و حقوق، تهران، پژوهشگاه ابن سينا، ١٣٨٩ش.
- رملي، محمد بن احمد، نهاية المحتاج الى شرح المنهاج، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٤ق.
- زحيلي، وهبه، الفقه الاسلامي وادلته، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٤ق.
- زمخشري، محمود بن عمر، أساس البلاغة، مصر، دارالكتب و الوثائق القيومية، ١٩٧٢م.
- زيدان، عبدالكريم، المنفصل في احكام المرأة و البيت المسلم في الشريعة الاسلامية، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٩٤م.
- سادلر، توماس، جنين شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه گروه مترجمان، تهران، چهر، ١٣٨٣ش.
- سرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٤ق.
- سلطاني نسب، رضا، جنين شناسی انسان: بررسی تکامل طبيعي و غير طبيعي انسان، تهران، دانشگاه ملی ايران، ١٣٤٧ش.
- سيد جوادى، احمد و ديگران، دایرة المعارف تشيع، تهران، شهيد سعيد محبی، ١٣٨٣ش.
- شاذلی، حسن علی، الجنين: حياته و حقوقه في الشريعة الاسلامية، كويت، المنظمة الاسلامية للعلوم الطبية، ١٩٩٧م.
- شافعی، محمد بن ادريس، الام، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٩٨١م.
- شرتونی، سعید، اقرب الموارد في فصح العربية و الشوارد، قم، مكتبة آية الله مرعشی نجفی، ١٤٠٣ق.
- شلتوت، محمود، الفتاوى: دراسة المشكلات المسلم المعاصر في حياته اليومية العامة، قاهره، دارالشروق، ٢٠٠٤م.
- شهيد ثانی، زين الدين بن علی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، قم، داوری، ١٤١٠ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، «پاسخ به استفتاء شماره ٩١٢٤٩»، ١٣٩١/٣/١٢ش.
- طبرانی، سليمان بن احمد، المعجم الوسيط، بيروت، دارالحرمين، ١٩٨٤م.
- عثيمين، محمد بن صالح، الشرح الممتع على زاد المستنقع، رياض، دارابن الجوزي، ١٤٢٢ق.
- عليش، محمد بن احمد، فتح العلي المالك في الفتوى على مذهب الامام مالك، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.
- عوضی، عبدالرحمن عبدالله، رؤیة اسلامية لزراعية بعض الاعضاء البشرية، كويت، المنظمة الاسلامية للعلوم الطبية، ١٩٩٤م.
- غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدين، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام، قم، مكتبة آية الله مرعشی نجفی، ١٤٠٥ق.
- فيروزآبادی، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت، داراحياء التراث العربي، بی تا.



- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير*، بیروت، المكتبة العلمية، بی تا.
- قرضاوی، یوسف، *من هدی الإسلام فتاوی معاصرة*، کویت، دارالقلم، ۱۴۲۴ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- قلیوبی، احمد بن سلامة و احمد برلسی عمیره، *حاشیتنا قلیوبی و عمیره*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بیروت، دارالکتب العربیة، ۱۴۰۶ق.
- مالک بن انس، *الموطأ*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹ق.
- ماوردی، علی بن محمد، *الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی و هو شرح مختصر المزنی*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
- مذکور، محمد سلام، *الجنین و الاحکام المتعلقة به فی الفقه الاسلامی*، قاهرة، دارالنهضة العربیة، ۱۹۶۹م.
- مرداوی، علی بن سلیمان، *الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف علی مذهب الإمام احمد بن حنبل*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۷۸م.
- مزنی، اسماعیل بن یحیی، *مختصر المزنی علی الأم*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۰ق.
- معینی، محسن و محمدمهدی آخوندی، «تکوین و تکامل جنین؛ آغاز حیات»، تهران، دومین کنگره بین المللی اخلاق پزشکی ایران، ۱۳۸۷ش.
- مفید، محمد بن محمد، *المقنعه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ق.
- یاسین، محمد نعیم، «حقیقة الجنین و حکم الانتفاع به فی زراعة الاعضاء»، *مجلة الشریعة و الدراسات الاسلامیة*، جامعة الكويت، شماره ۱۷، ۱۴۱۰ق.